

عنوان مقاله:

مقایسه فیروزشاه نامه با داراب نامه ها

محل انتشار:

دومین کنگره ملی پژوهش های کاربردی علوم انسانی اسلامی (سال: 1394)

تعداد صفحات اصل مقاله: 17

نویسندگان:

محمد رضا نجاریان - دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یزد

شیمایمک شناس - کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یزد

خلاصه مقاله:

ذبیح الله صفا که داراب نامه طرسوسی (سده ششم هجری) را منتشر ساخته ، معتقد است این کتاب را باید به سه داستان قسمت کرد: اول: داراب نامه؛ یعنی داستان داراب، پسر بهمن، ملقب به کی اردشیر. دوم: داستان اسکند که داستان کوچک و کوتاهی از آغاز حیات تا رسیدن او به سلطنت است. سوم: داستان مفصل پوراندخت که شرح کشاکشها و ماجراهای او با اسکندر است. در داستان داراب نامه بیغمی (سده نهم هجری) فرزند داراب، دارا نام ندارد، بلکه فیروزشاه نامیده می شود. در دو جلد نخست کتاب، فیروزشاه در خواب، عاشق «عین الحیات» دختر شاه سرور یمنی می شود و به سودای عشق او سر در بیابان می گذارد و جنگ ها می کند و با حوادثی چون شکستن طلسم ها و جنگ با عفريتان و جنیان و جادوان مواجه می شود. مجلد سوم داراب نامه بیغمی «فیروزشاه نامه» خوانده می شود که موضوع قصه شرح زندگی، جنگ ها و دلاوری های فیروزشاه پسر داراب و فرزندش ملک بهمن است. فضای قصه، فضای دوران باستان و ایران پیش از اسلام است. این کتاب را باید از حماسه های مردمی محسوب کرد و در سراسر آن سخن از جنگ ایرانیان با اقوام دیگر نظیر ترکان، چینیان و هندوان است. نگارندگان در این مقاله برآنند تا توجه به داستان های عامیانه زبان فارسی، جایگاه فیروزشاه نامه بیغمی را نسبت به داراب نامه طرسوسی و داراب نامه بیغمی تبیین نمایند.

کلمات کلیدی:

داراب نامه طرسوسی، داراب نامه بیغمی، فیروزشاه نامه، نثر سده نهم هجری، قصه های عامیانه

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/482185>

